



مهدویان فرد، راحله؛ اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد؛ قناعت باجگیرانی، سونه (۱۳۹۳). پیش‌بینی دزدگی زناشویی از طریق همدم طلبی - دوری‌گزینی در دانشجویان زن متأهل. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۴(۲)، ۱۳۷-۱۲۲.

پیش‌بینی دزدگی زناشویی از طریق همدم طلبی - دوری‌گزینی در دانشجویان زن متأهل

راحله مهدویان فرد^۱، محمد جواد اصغری ابراهیم آباد^۲، سونه قناعت باجگیرانی^۳

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین دزدگی زناشویی و همدم‌طلبی - دوری‌گزینی دانشجویان زن متأهل انجام گرفت. تحقیق از نوع همبستگی بود و جامعه آماری دانشجویان زن متأهل دانشگاه فردوسی مشهد بودند. نمونه مورد مطالعه ۱۲۶ نفر بودند که به صورت در دسترس انتخاب شدند. آنها به دو پرسشنامه دزدگی زناشویی پاینز و همدم‌طلبی - دوری‌گزینی پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده نیز از طریق نرم افزار SPSS در سطح توصیفی، با آماره‌های میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی پیرسون و در سطح استنباطی با آزمون رگرسیون ساده مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین دزدگی زناشویی و همدم‌طلبی رابطه منفی معنادار ($r = -0.254$ ، $p = 0.004$) و با دوری‌گزینی رابطه مثبت معنادار ($r = 0.195$ ، $p = 0.029$) وجود دارد. بنابراین از طریق همدم‌طلبی و دوری‌گزینی می‌توان دزدگی زناشویی را پیش‌بینی کرد.

واژه‌های کلیدی: دزدگی زناشویی، همدم‌طلبی، دوری‌گزینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه فردوسی مشهد

mjasghari@um.ac.ir

۲. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

خانواده، این واحد کوچک اجتماعی از ارکان اصلی جامعه به حساب می‌آید که فرآیندی به نام ازدواج آن را شکل می‌دهد. ازدواج به معنای قانونمندسازی نوعی ارتباط میان دو انسان بوده و در واقع هدف اصلی ازدواج ارتباط است (Hamidi, 2008). از نظر Glasser (1925) هیچ ارتباط دیگری مانند آن نمی‌تواند دو انسان بالغ را که ممکن است شناخت بسیار کمی از یکدیگر داشته باشند برای عمری به یکدیگر پیوند دهد (Barazandeh, 2007). تغییرات فرهنگی مهم در نیمه آخر قرن، تاثیر بسیار زیادی بر ازدواج و انتظارات و تجارب کسانی که با هم ازدواج می‌کردند یا روابط متعهدانه‌ی پایداری را آغاز می‌کردند، گذارده است (Khamseh, 2009). تحقیق Papalia (2000) نشان داد هنگامی که زوجین با یکدیگر در روابط صمیمانه قرار می‌گیرند، هر کدام با مجموعه‌ای از رؤیاها و انتظارات وارد رابطه می‌شوند. هنگامی که این رؤیاها و انتظارات با تنبیه و تجارب استرس‌زا جایگزین می‌شوند، رابطه صمیمانه متوقف می‌شود، انرژی عشق به آزردهی و خشم تبدیل می‌شود و در نتیجه، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات را پدید می‌آورد و به مرور به دلزدگی زناشویی^۱ منجر می‌شود (Oladi, 2011). Vanplet (2004) Pines (1998) نشان دادند که دلزدگی زناشویی، حالت فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و زوج‌های متوقع را متاثر می‌سازد. این حالت زمانی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاششان، رابطه‌ی آنها به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. دلزدگی زناشویی از عدم تناسب میان واقعیات و توقعات، ناشی می‌شود و میزان آن به میزان سازگاری زوجها و باورهایشان بستگی دارد و یکی از مخاطرات ازدواج و روابط بین زن و شوهر است (Naderi, 2010). به تعبیری سرخوردگی و دلزدگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه است (Sharifi, Karsvly, & Bshlydh, 2011). دلزدگی زناشویی شامل علائم تحلیل رفتگی مفرط جسمی است که به صورت خستگی، بی‌حوصلگی، ضعف، سردردهای مزمن، دل‌درد، کمبود اشتها یا پرخوری دیده می‌شود. تحلیل رفتگی عاطفی با احساس ناراحتی، بی‌میلی نسبت به حل مسائل، ناامیدی، غمگینی، احساس پوچی و بی‌معنایی، افسردگی، دلتنگی و فقدان تحرک، احساس در دام افتادن، بی‌ارزشی، آشفتگی عاطفی و هرگونه تفکرات مربوط به خودکشی مشخص می‌شود (Azvita & Krokkit, 1995). دلزدگی دارای علائمی مثل کمبود عمومی اشتیاق، عدم رضایت، فرسودگی عاطفی،

بی‌احساسی و کمبود علاقه است (Pines, 2011). Hamilton Clayton (2010) دلزدگی زناشویی را اینگونه تعریف می‌کنند یک حالت فرسودگی جسمی، هیجانی و روانی اطلاق می‌شود که باعث زوال شخصیت و کاهش یافتن تمامیت فردی می‌شود. همچنین دلزدگی زناشویی گاهی اوقات به صورت تغییر زندگی و یک سری از انتظارات غیر واقعی ظاهر می‌شود (khodabakhshi & et al, 2014) یافته‌های پژوهشی Pines (1996) نشان می‌دهد که بسیاری از زنان رابطه زناشویی‌شان را بخش مهمی از زندگی‌شان می‌دانند و برای آن بیش از شغلشان اهمیت قائلند. زنان از روابط صمیمی انتظارات بیشتری دارند. رضایت و خشنودی زنان از زندگی‌شان و وضعیت کلی سلامتشان بیش از مردان به سعادت زناشویی‌شان بستگی دارد. در نتیجه در صورت بروز مشکلات، زنان بیش از مردان در معرض استرس و ناراحتی قرار می‌گیرند (Goharirad, Afshar. 2002). پژوهشی نشان داد که بین زنان و مردان از نظر میزان دلزدگی زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان دلزدگی زناشویی در زنان بالاتر از مردان بود (Navidi, 2005).

Naeem در پژوهشی نشان داد که دلزدگی زناشویی و تعارضات زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری با خشونت علیه زنان دارند (Naeim, 2008). نتایج پژوهش Lingard (2004) نشان داد که از میان متغیرهای خانوادگی و شغلی، متغیرهای خانوادگی منبع مهم‌تری از دلزدگی را تشکیل می‌دهد (Naderi, Eftekhar & Amolazadeh, 2010). همچنین نقش هجده جنبه از رابطه زناشویی در دلزدگی زناشویی توسط Pines (1996) مورد پژوهش واقع شد که نتایج نشان داد که متغیر نگرش مثبت نسبت به زندگی زناشویی به تنهایی ۵۰٪ پراکنش متغیر دلزدگی را پیش‌بینی می‌کند (Shadab, 2002). Baker (2009) در پژوهش خود نشان داد که رفتارهای مخالف دلزدگی زناشویی با سلامتی روانی و دلزدگی زناشویی زوجین با افسردگی رابطه معنی‌داری دارند. Baker و Westman (2008) نیز نشان دادند که دلزدگی در بیشتر روابط صمیمانه و نزدیک اتفاق می‌افتد.

نتایج پژوهشگران بیانگر وجود رابطه مثبت بین ویژگی شخصیت‌عصیت با دلزدگی زناشویی و رابطه منفی بین ویژگی‌های شخصیت برون‌گرایی، باز بودن، توافق و وجدانی بودن و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی همسران معتادان مرد بود (Naderi, Eftekhar & Amolazadeh, 2010).

همچنین نتایج تحقیق Oladi نشان داد بین رضایتمندی زناشویی با دلزدگی کلی، دلزدگی جسمی، دلزدگی روانی، دلزدگی عاطفی، نیاز آزادی، نیاز تفریح رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد (Oladi, 2011) تحقیقی که روی ۱۶۰ کارمند متاهل دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه انجام شد، نشان می‌دهد که سبک دلبستگی اضطرابی و سبک حل تعارض مسلط و اجتنابی با دلزدگی زناشویی رابطه مثبت

دارد (Karimi, Karami & deghan, 2014). تحقیق شود. khodabakhshi و همکاران (2014) بر روی ۲۰۰ زن (۱۰۰ نفر داری همسر دیابتی و ۱۰۰ نفر دارای همسر بدون دیابت) نشان داد، یکی از فاکتورهای مهمی که دلزدگی زناشویی و باورهای جنسی غلط را افزایش داده و احقاق جنسی زنان را کاهش می‌دهد، کژکاری جنسی شوهران آنها است. در واقع زنانی که شوهرانشان به بیماری مزمنی مثل دیابت مبتلا هستند احقاق جنسی کمتر و دلزدگی زناشویی بیشتری دارند همچنین نتایج تحقیق Kianfard و همکاران (2014) که بر روی ۲۰۰ نفر از کارمندان جهاد کشاورزی تهران انجام شد، نشان داد که رابطه معنادار منفی بین رضایت‌مندی جنسی با خرده مقیاس‌های دلزدگی جسمی، عاطفی و روانی آنها وجود دارد و فقدان دلزدگی زناشویی از فاکتورهای سلامت روان است و نقش مهمی را در زندگی زناشویی زوجین ایفا می‌کند.

داشتن یک رابطه زناشویی با نشاط مستلزم برقراری تعادل بین دو نیاز طبیعی، داشتن رابطه صمیمی و استقلال شخصی زوجین است. اما اگر بین دو نیاز تعادل برقرار نباشد، اغلب باعث ایجاد یک کشمکش حاصل از همدم‌طلبی / دوری‌گزینی^۱ می‌شود. فرد همدم‌طلب که به دنبال صمیمیت است، از نیاز خود به داشتن استقلال غافل است و از طرفی فرد دوری‌گزین که به دنبال داشتن استقلال است از نیاز خود به داشتن صمیمیت غافل می‌باشد (Lerner 1986).

همدم‌طلبی و دوری‌گزینی به سازه‌ی کلی روابط بین اشخاص یا میزان فاصله یا «فضایی» مربوط است که اشخاص می‌خواهند بین آنها و دیگران وجود داشته باشد. «همدم‌طلبی» تجلی نیروهای پیوند یافتن و باهم بودن است، در حالی که «دوری‌گزینی» تجلی نیروهای فردیت است و بستگی به فضای خصوصی و پرهیز اشخاص از درگیر شدن عاطفی به خاطر محافظت از خویشن دارد (Sanaei, 2000).

هنگام بروز مشکلات در زندگی زناشویی، افراد همدم‌طلب تمایل دارند که افکار و احساسات خود را با همسرشان به اشتراک بگذارند اما هنگامی که درمی‌یابند که شریک زندگی شان نیاز به فضا و تنهایی بیشتری دارد احساس طرد شدگی و آسیب دیدگی می‌کنند. در مقابل فرد دوری‌گزین به دنبال داشتن فاصله فیزیکی و احساسی است. این افراد تمایل دارند که به خودشان متکی باشند. آنها روابط شخصی خود با سخت کار کردن و فعالیت خارج از رابطه زن و شوهری مدیریت می‌کنند و هنگامی که داشتن یک رابطه برایشان بیش از حد دشوار می‌شود تمایل دارند که به آن به طور کامل و ناگهانی پایان دهند (Lerner 1986).

اکثر زوجین نوعی از رابطه همدم طلب^۵ دوری‌گزین را دارند که در آن کسی که تمایل بیشتری برای احساس نزدیکی و صمیمیت جنسی دارد به سمت ایجاد رابطه با شریکش که به دنبال ایجاد فاصله برای راحت‌تر بودن خویش است، می‌رود، در نتیجه شریک دوری‌گزین خود را بیشتر کنار می‌کشد و باز شخص همدم طلب تلاش بیشتری برای ایجاد تماس و رابطه با وی می‌کند و این باز به فاصله‌گیری بیشتر فرد دوری‌گزین منتهی می‌شود و به این ترتیب این دو در یک الگوی مدورگونه بی‌پایان نسبت به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند که ممکن است به صورت پیگیری انتقادی فرد همدم طلب و فرآیند فاصله‌گیری دفاعی از طرف مقابل درآید (Gottman & Levenson, 2002).

اگر چه این نقش‌ها ممکن است در این سناریو تغییر کند ولی آنچه ثابت است ترس از رهاشدگی و ترس از بودن با شریک زندگی در یک حالت خفه‌کننده است (Fogarty, 1978).

Baker (2012) اعتقاد دارد که هیچ‌کدام از دو الگوی همدم‌طلبی یا دوری‌گزینی اساساً «اشتباه» یا «بد» نیست. به این دلیل که هم افراد همدم‌طلب و هم افراد دوری‌گزین با سبک ارتباطی منحصر به فردشان به خوبی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. مشکل واقعی وقتی مطرح می‌شود که زوجین درک نکنند که سبک‌های ارتباطی متفاوتی دارند و رفتار یکدیگر را به صورت منفی برداشت کنند. در زوجینی که یکی همدم‌طلب و دیگری دوری‌گزین است، نوعی تعارض رخ می‌دهد که وقتی یکی از زوجین اجتناب می‌کند، دیگری اصرار به ایجاد رابطه کرده و شریکش را سرزنش می‌کند. تحقیقات به طور پیوسته‌ای نشان داده‌اند که رفتارهای این زوجین با عدم رضایتمندی زناشویی مرتبط است (Donato & et al, 2014).

نتایج تحقیق Christensen و Sherk (1991) که بین سه گروه زوجین غیر استرسی، زوجین درگیر درمان بالینی و زوجین در حال طلاق انجام شد نشان می‌دهد که دو گروه در حال طلاق و درمان بالینی که مضطرب‌تر از گروه اول (زوجین غیر استرسی) ارتباطات سازنده متقابل کمتر، اجتناب از ارتباطات بیشتر و تقاضا برای همدم‌طلبی / دوری‌گزینی ارتباطی بیشتر و تعارض بیشتری در فاصله‌گیری روانی در روابط خود داشتند.

Bloomberg Stanly Markman (1994) دریافتند که مردان اغلب در هنگام ارتباط فیزیکی یا فعالیت‌های مشارکتی مثل رابطه جنسی، با هم روی نیمکتی نشستند، با هم ورزش نمودن یا نوعی بازی کردن تمایل بیشتری به همدم‌طلبی دارند. از طرف دیگر زنان تمایل دارند که صمیمیت و نزدیکی را بیشتر به صورت کلی تجربه کنند.

همچنین در ابتدای درمان زوجین به نظر می‌رسد که زنان به عنوان افراد همدم‌طلب، تعارض در

روابط خود با همسرانشان را که نسبت به دوری‌گزی‌ها کمتر رضایت بخش است را جدی‌تر می‌بینند (Forgaty, 1978). وی همچنین نشان داد که افراد همدم طلب به درمان به عنوان منبع تغییراتی که نیازهای مرتبط با نزدیکی و صمیمیت ایشان را تامین کند علاقه بیشتری نشان دادند.

در ایران پژوهشی نشان داد که بین همدم‌طلبی / دوری‌گزینی و رضایت‌مندی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد همچنین Christensen در تحقیقی نشان داد که این الگو ارتباط قوی با نارضایتی از ازدواج دارد (Saati, 2001). از طرفی ارتباط محکمی نیز بین این الگو با جنسیت وجود دارد (Blanchard, 2008). پژوهشی در همین زمینه توسط Donato و همکاران (2014) که با هدف پژوهش بررسی رابطه طولی و همزمان بین الگوهای همدم‌طلب و دوری‌گزی با نارضایتی زناشویی که روی ۱۷۶ زوج با مدت ازدواج از یک تا ۵۵ سال انجام شد نشان داد، که بین الگوهای همدم‌طلب - دوری‌گزی با نارضایتی زناشویی هم رابطه همزمانی و هم طولی وجود دارد و نارضایتی زناشویی می‌تواند الگوی همدم‌طلب - دوری‌گزی را پیش‌بینی کند.

به طور کلی در یک تحقیق مروری که توسط Witt Schrodtt و Shimkowski (2014) انجام شد که هدف آن بررسی رابطه میان الگوی تعاملی همدم‌طلب - دوری‌گزی با تعاملات و رابطه فردی بود، شواهد نشان می‌دهد رابطه‌ای معنی‌دار بین الگوی تعاملی همدم‌طلب - دوری‌گزی با روابط فردی وجود دارد. میزان این رابطه برای زنان همدم‌طلبی که شوهرانشان دوری‌گزی بودند ($r = 0/380$) نسبت به مردان همدم‌طلبی که همسرانشان دوری‌گزی بودند ($r = 0/413$) متفاوت بود. با توجه به تحقیقات انجام شده، پژوهش حاضر بدنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا بین دلزدگی زناشویی و همدم‌طلبی - دوری‌گزی تعامل معناداری وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین دلزدگی زناشویی و دوری‌گزی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۲- بین دلزدگی زناشویی و همدم‌طلبی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۳- متغیرهای همدم‌طلبی و دوری‌گزی می‌توانند به طور معناداری دلزدگی زناشویی دانشجویان را پیش‌بینی کنند.

روش و ابزار

پرسشنامه همدم طلبی-دوری گزینی

مقیاس همدم طلبی^۱ دوری گزینی^۲ یک مقیاس خودسنجی ۸۰ سوالی «بلی ° خیر» است که توسط Bernstein و همکاران (1985) ساخته شد و برای اندازه گیری سازه ی «همدم طلبی» و «دوری گزینی» در روابط اشخاص است.

همسانی درونی این مقیاس با محاسبه ی همبستگی هر سوال با کل نمرات به دست آمده است. میانگین همبستگی هر سوال با کل سوال ها ۰/۳۱ است که همسانی درونی ضعیفی را نشان می دهد ولی آنچنان که همبستگی معنادار قابل پیش بینی با ابزارهای سنجش نقش، قاطعیت، احساس طلبی، درونگرایی- برونگرایی، نشان می دهد، این مقیاس از روایی سازه بسیار خوبی برخوردار است (Sanaei, 2000) در پژوهش Saati (2001) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس دوری گزینی ۰/۵۴ به دست آمده است همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس همدم طلبی ۰/۵۹ محاسبه شده است.

پرسشنامه دلزدگی زناشویی

پرسشنامه دلزدگی زناشویی^۲ یک ابزار خود سنجی است که توسط Pines (1996) با هدف اندازه گیری درجه دلزدگی زناشویی و همچنین دلزدگی در سه بعد جسمی، عاطفی و روانی، در بین زوجین ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ ماده است که ۱۷ ماده آن شامل عبارات منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی ارزش بودن و ۴ ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پرنرژدی بودن است. سوالات پرسشنامه در یک طیف لیکرتی ۷ گزینه‌ای از هرگز تا همیشه نمره گذاری می شوند. نمره گذاری ۴ ماده نیز به صورت معکوس انجام می شود و نمره بالاتر فرد در این مقیاس نشان دهنده دلزدگی بیشتر وی است. ضریب پایایی مقیاس با روش بازآزمایی در یک دوره یک ماهه برابر ۰/۷۶ محاسبه شد. همچنین پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ در دامنه ی بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است (Pines, 1996) روایی همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه تعارضات زناشویی مناسب ($r = 0.51$) بوده است. Naeem (2009) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب

1. Pursuing- Distancing Scale (P-D)

2. marital burnout

۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه نموده است همچنین در تحقیقی ضرایب پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۰ محاسبه شد (Naderi & Azadmanesh, 2012).

یافته ها

در این بخش ابتدا به توصیف آماری داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه پرداخته شده و سپس فرضیه‌های مطرح شده مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور توصیف داده‌های مذکور با استفاده از نرم افزار SPSS شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده‌اند. و در سطح استنباطی برای بررسی روابط از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

بررسی جمعیت شناختی

جدول ۱- وضعیت جمعیت شناختی آزمودنی ها

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد
سن	۱۸-۲۰	۱۱	۸/۶
	۲۱-۲۵	۶۹	۵۳/۹
	۳۶-۳۰	۳۶	۲۶/۶
	۳۱-۳۵	۹	۷
	۳۶-۴۰	۵	۳/۹
	کل	۱۲۸	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۶۱	۸/۶
	کارشناسی ارشد	۵۵	۵۳/۹
	دکتری	۳۶	۱۰/۲
	کل	۱۲۸	۱۰۰
رشته تحصیلی	علوم پایه	۱۲	۹
	علوم انسانی	۸۴	۶۶/۷
	فنی مهندسی	۷	۵/۶
	علوم پزشکی	۸	۶/۳
	زبان خارجه	۱۵	۱۱/۹
	کل	۱۲۸	۱۰۰
مدت ازدواج	دوران عقد کمتر از ۶ ماه	۲۰	۱۵/۶

۴۳	۵۵	دوران عقد بیشتر از ۶ ماه
۲۸/۱	۳۶	زندگی مشترک
۱۳/۳	۱۷	زندگی مشترک به همراه فرزند
۱۰۰	۱۲۸	کل

همانگونه که در جدول ۱ نشان داده شده است بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۵-۲۱ سال و کمترین فراوانی در گروه سنی ۴۰-۳۶ سال، بیشترین فراوانی در سطح تحصیلی کارشناسی و کمترین فراوانی در سطح تحصیلی دکتری همچنین بیشترین فراوانی در رشته تحصیلی علوم انسانی و کمترین فراوانی در رشته تحصیلی علوم پزشکی و همین طور بیشترین فراوانی در سطح مدت ازدواج دوران عقد بیشتر از ۶ ماه و کمترین فراوانی در سطح زندگی مشترک و فرزند مشاهده می‌شود. میانگین و انحراف معیار متغیرهای دلزدگی زناشویی، همدم طلبی و دوری‌گزینی در جدول ۲ نمایه شده است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
دلزدگی زناشویی	۲/۵۰	۰/۹۳	۱	۶/۳۳
همدم طلبی	۲۳/۹	۴/۳	۱۳	۳۲
دوری‌گزینی	۲۲	۳/۹	۱۱	۳۲

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول- بین دلزدگی زناشویی و دوری‌گزینی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

در جدول ۳ ضرایب همبستگی دلزدگی جسمانی، عاطفی، روانی و دلزدگی کلی و دوری‌گزینی ارائه شده است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی دلزدگی جسمانی، عاطفی و روانی و دلزدگی کلی با دوری‌گزینی

شاخص آماری	ضرایب همبستگی			
متغیرها	دلزدگی جسمانی	دلزدگی روانی	دلزدگی عاطفی	دلزدگی کلی
دوری‌گزینی	۰/۱۴	*۰/۲۰	*۰/۲۱	*۰/۲۰

بر اساس نتایج مندرج در این جدول، دلزدگی عاطفی و روانی و دلزدگی کلی با دوری‌گزینی رابطه مثبت معناداری دارند ولی دلزدگی جسمانی با دوری‌گزینی رابطه معنادار ندارد. ($P < 0/05$)

فرضیه دوم- بین دلزدگی زناشویی و همدم طلبی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

در جدول ۴ ضرایب همبستگی دزدگی جسمانی، عاطفی، روانی و دزدگی کلی و همدم طلبی ارائه شده است.

جدول ۴- ضرایب همبستگی دزدگی جسمانی، عاطفی و روانی و دزدگی کلی با همدم طلبی

ضرایب همبستگی				شاخص آماری
دزدگی کلی	دزدگی عاطفی	دزدگی روانی	دزدگی جسمانی	متغیرها
*-۰/۲۵	*-۰/۲۶	*-۰/۲۷	-۰/۱۷	همدم طلبی

* $p < 0/01$

بر اساس نتایج مندرج در این جدول دزدگی عاطفی و روانی و دزدگی کلی با همدم طلبی رابطه منفی معناداری دارند ($p < 0/01$) ولی بین دزدگی جسمانی و همدم‌طلبی رابطه معناداری وجود ندارد ($p < 0/05$).

فرضیه سوم- متغیرهای همدم طلبی و دوری‌گزینی می‌توانند به طور معناداری دزدگی زناشویی دانشجویان را پیش‌بینی کنند.

جهت بررسی سهم همدم طلبی و دوری‌گزینی در تبیین دزدگی زناشویی از تحلیل رگرسیون ساده استفاده شد.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس رگرسیون دزدگی زناشویی با استفاده از همدم طلبی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	R	2	ig
رگرسیون	۷/۱۱	۱	۷/۱۱	۸/۵۴	۰/۵	۰/۶۴	۰/۰۱
باقیمانده	۱۰۳/۲۱	۱۲۴	۰/۸۳				

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود مقدار F معنادار می‌باشد ($p < 0/01$). این بدان معناست که متغیر پیش‌بین همدم طلبی قادر به پیش‌بینی و تبیین درصد معناداری از واریانس دزدگی زناشویی به عنوان یک متغیر ملاک بوده است. به گونه‌ای که نتایج مندرج در این جدول نشان می‌دهد همدم طلبی ۰/۰۶۴ درصد واریانس دزدگی را تبیین کرده است.

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس رگرسیون دزدگی زناشویی با استفاده از دوری‌گزینی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	R	2	Sig
رگرسیون باقیمانده	۴/۱۸	۱	۷/۱۱	۴/۸۹	۰/۲۰	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱
	۱۰۶/۱۴	۱۲۴	۰/۸۶				

همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود مقدار F معنادار می‌باشد ($p < 0/05$). این بدان معناست که متغیر پیش‌بینی دوری‌گزینی نیز قادر به پیش‌بینی و تبیین درصد معناداری از واریانس دلزدگی زناشویی به عنوان یک متغیر ملاک بوده است. به گونه‌ای که نتایج مندرج در این جدول نشان می‌دهد دوری‌گزینی ۰/۰۳۸ درصد واریانس دلزدگی را تبیین کرده است.

همچنین نتایج نشان دادند بین نمرات همدم‌طلبی، دوری‌گزینی دانشجویان در گروه‌های سنی، گروه‌های تحصیلی، رشته‌های تحصیلی و مدت زمان ازدواج‌های مختلف تعریف شده تفاوت معنادار وجود ندارد. همین‌طور بین نمرات دلزدگی زناشویی کلی، دلزدگی جسمانی، روانی و عاطفی دانشجویان در گروه‌های سنی، گروه‌های تحصیلی و رشته‌های تحصیلی مختلف تعریف شده تفاوت معنادار وجود ندارد ولی بین نمرات دلزدگی کلی، جسمانی، روانی و عاطفی دانشجویان دوران عقد کمتر از ۶ ماه با دانشجویان دوران عقد بیشتر از ۶ ماه، دارای زندگی مشترک به همراه فرزند تفاوت معنادار وجود دارد. در واقع بر طبق نتایج بدست آمده، کمترین میزان دلزدگی زناشویی در دانشجویان دوران عقد کمتر از ۶ ماه و بیشترین میزان دلزدگی زناشویی در دانشجویان دارای زندگی مشترک به همراه فرزند دیده می‌شود.

بحث

هدف در تحقیق حاضر بررسی نقش همدم‌طلبی - دوری‌گزینی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل است. نتایج تحقیق نشان داد که بین همدم‌طلبی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد و همچنین بین دوری‌گزینی و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این نتایج با تحقیق Pines (1996) که یکی از متغیرهایی که از ایجاد دلزدگی زناشویی جلوگیری می‌کند را قدردانی میدانند همسو است و همچنین با نتایج تحقیق Donato و همکاران (2014) که نشان داد بین الگوهای همدم‌طلب - دوری‌گزین با نارضایتی زناشویی هم رابطه همزمانی و هم طولی وجود دارد و تحقیق Witt، Schrodtt و Shimkowski (2014) هم که در همین زمینه نشان می‌دهد الگوی تعاملی همدم‌طلب - دوری‌گزین با تعاملات و رابطه فردی رابطه‌ی معنی‌دار دارد همسویی دارد.

در تبیین این مطلب می‌توان این نکته را گفت که افراد همدم‌طلب از نظر احساسی بازترند و احساسات و افکار خود را راحت‌تر می‌توانند به زبان بیاورند و این باعث می‌شود که از بروز دلزدگی در همسرشان پیشگیری کنند. همچنین همدم‌طلبی زمینه‌توان در زندگی می‌شود که باز این تنوع در زندگی باعث می‌شود تا دلزدگی رخ ندهد. در واقع همدم‌طلبی باعث ایجاد احساس مثبت و تنوع در زندگی می‌-

گردد که زمینه یکنواختی را که منجر به خستگی و رنجیدگی میشود و رابطه زناشویی خوب را از بین میبرد، می‌کاهد.

همچنین طبق تعریف افراد دوری‌گزین به خاطر محافظت از فردیت خویش از درگیر شدن عاطفی با دیگران و از جمله همسر ممانعت می‌کنند که این خود باعث کم شدن صمیمیت میان آنها و دیگران می‌شود و می‌توان گفت سرانجام به دلزدگی و سرخوردگی زناشویی می‌انجامد.

ازدواج نقش اساسی در تعالی و سلامت روانی انسان‌ها دارد؛ به گونه‌ای که پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که معمولاً افراد متأهل، سالم‌تر و شادترند (Rosen- Grandon & Meyers, 2004). برای بسیاری، کسب خشنودی از رابطه زناشویی مهم‌ترین منبع خشنودی حتی مهم‌تر از منابعی همچون کار، دوستان و حتی فرزندان به شمار می‌آید (Rasoli, 2001).

با وجود این، بروز کشمکش‌ها در زندگی زناشویی امری عادی است. هنگامی که تعارض به میزان زیادی رخ دهد و زن و شوهر نتوانند به خوبی با آن کنار بیایند، پی‌آمدهای منفی فراوانی برای سلامت روانی و جسمی همسران و فرزندان آنها به بار خواهد آورد. افزون بر آن، بر بسیاری از کارکردهای مفید خانواده همچون تربیت فرزند، روابط میان والدین - فرزندان و حتی کارآمدی اجتماعی و اقتصادی همسران نیز تأثیر خواهد گذاشت. (Rasoli, 2001).

برطبق نتایج تحقیق Feeney (1999) وجود و ماهیت تفاوت‌های گزارش شده در نیاز شرکای زندگی به نزدیکی یا فاصله‌گیری از یکدیگر به وسیله متغیرهای رابطه جنسی و سبک‌های دلبستگی آنها پیش‌بینی می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای همدم‌طلبی و دوری‌گزینی می‌توانند به طور معناداری دلزدگی زناشویی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند. این نتایج با نتایج Donato و همکاران (2014) همسو است که نشان می‌دهد الگوی همدم‌طلب - دوری‌گزین می‌تواند نارضایتی زناشویی را پیش‌بینی کند. Pines (1996) یکی از متغیرهایی که از ایجاد دلزدگی جلوگیری می‌کند را «قدردانی» می‌داند. این احساس که از شخص قدردانی شده و به او احترام گذاشته شده است، سبب می‌شود تا فرد حس خوبی داشته باشد. در نظام حاکم بر زندگی زناشویی، هر چه یکی از طرفین بیش‌تر قدردانی کند، پاداش بیشتری نصیب نظام خواهد شد و هر دو نفر از این پاداش بهره خواهند برد (Goharirad & Afshar, 2005). پارامتر دیگری که تحقیقات ۱۵ساله Pines (1996) نشان داد که از بروز دلزدگی زناشویی پیشگیری می‌کند «ایجاد تنوع در زندگی» است. یکنواختی می‌تواند به خستگی بینجامد و سبب رنجیدگی گردد. بدون وجود

تنوع، خستگی و یکنواختی حتی ممکن است روابط زناشویی خوب را از بین ببرد. از آنجا که افراد همدم طلب احتمالاً دوستان بیشتری دارند بهتر می‌توانند در زندگی‌شان تنوع ایجاد کنند و دچار روزمرگی و یکنواختی نشوند.

همچنین نتایج تحقیق Pines (1996) نشان داد که بین دلزدگی زناشویی افرادی که در دوران عقد کمتر از ۶ ماه بودند با کسانی که در دوران عقد بیشتر از ۶ ماه و زندگی مشترک و زندگی مشترک به همراه فرزند بودند تفاوت معناداری وجود دارد. دلزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل که در دوران عقد کمتر از ۶ ماه بودند از سه گروه دیگر کمتر بود. دلزدگی از عشق یک روند تدریجی است که به ندرت ناگهانی بروز می‌کند، در واقع صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می‌بازد و همراه با آن احساس خستگی عمومی عارض می‌شود. برای افرادی که دچار دلزدگی شده‌اند زندگی تهی و بی‌معنا است و دیگر اهمیتی ندارد (Shadab, 2002). این حالت زمانی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند به رغم تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد، از این رو شروع به احساس بیچاره بودن، ناامید بودن و دلزدگی می‌کنند (Pines, 2002). جمع‌شدن فرسودگی و آرمان‌زدایی و تنش‌های زندگی هر فردی باعث فرسودگی روانی می‌شود و سرانجام به دلزدگی می‌انجامد (Kianfard & et al, 2014).

بنابراین در مدت کمی پس از ازدواج امکان دلزدگی در روابط زناشویی کمتر است که این با نتیجه تحقیق Pines (1996) همسو است. از طرفی یکی از مواردی که روند بروز دلزدگی را سرعت می‌بخشد، بار مسئولیت‌های اضافی است. بار اضافی کیفی هنگامی است که فرد حس می‌کند وظیفه محول شده بیش از توانایی‌های اوست. چنین مشکلاتی با گذشت زمان حتی ممکن است ازدواجی خوب را از بین ببرند (Shadab, 2002).

مسئله با گذشت زمان و آغاز زندگی زناشویی مشترک و فرزنددار شدن مسئولیت زوجین بیشتر می‌شود که این خود می‌تواند عاملی برای بروز خستگی و دلزدگی شود که با نتایج تحقیق همسو می‌باشد. دلزدگی زناشویی یک امر اجتناب‌ناپذیر در زندگی زناشویی نیست. اما با توجه به اینکه پس از ازدواج شور و شوق اولیه فروکش می‌کند و مسائل جدید و مسئولیت‌های مختلفی که از قبل دو نفر وارد شده به رابطه ازدواج در زندگی تجربه نکرده‌اند بروز می‌کند، ممکن است در خیلی از زوجین دلزدگی مخصوصاً از نوع جسمانی دیده شود. که البته زوجین می‌توانند با توجه بیشتر و آموزش مهارت‌هایی از بروز و پیشروی آن جلوگیری کرده و زندگی شاد و با نشاطی را تجربه نمایند.

نتیجه

این تحقیق نشان داد که اولاً بین دلزدگی زناشویی و همدم طلبی ° دوری‌گزینی رابطه معنادار وجود دارد و ثانیاً همدم طلبی و دوری‌گزینی می‌تواند دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کند و این مطلب بیانگر نقش هر کدام از این متغیرها در دلزدگی زناشویی است.

Referenses

- Aslani, K. (2004). *The role of communication skills on family efficiency in married students*. Journal of social welfare, 4(14), 103-124. (In persion)
- Azvita, L., Krokitt, A. (1995). *Burnout in couples*. Journal of Family Therapy; 5: 28-34.
- Bakker, A. B. (2009). *The crossover of burnout and its relation to partner health*. Stress and Health , 25:343-353.
- Baker, B. (2012). *Surviving a pursuer/distancer relationship*. [http:// drbillbaker .com](http://drbillbaker.com)
- Blanchard V. L. (2008). *Does marriage and relationship education improve couples' communication? A meta-analytic study*. [Unpublished MA Thesis]. Provo, Utah: Brigham Young University.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). *Communication, conflict and psychological distance in non-distressed, clinic and divorcing couples*. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 59, 458-463.
- Clayton, A. H., Hamilton, D. V. (2010). *Female Sexual Dysfunction*. Psychiatric Clinics North Am. 33, 323° 338.
- Donato, S., et al (2014). *Demand-Withdraw, Couple Satisfaction And Relationship Duration*. Social and Behavioral Sciences. 140, 200 ° 206.
- Feeney, J. A. (1999). *Issues of closeness and distance in dating relationships: Effects of sex and attachment style*. Journal of Social and Personal Relationships, 16(5), 571-590.
- Fogarty, T. F. (1978). *The distancer and pursuer*. *Georgetown family symposia*. Washington D. C.: Georgetown University.
- Glasser, W., & Glasser, C. (2000). *Getting Together and Staying Together: Solving the Mystery of Marriage*. Translated by Barazandeh, H. & khoshnit Nico, S. Mashhad, Mohaghegh Press. (In persion)

- Gottman, J.M. (1999). *Rebound from Marital Conflict and Divorce Prediction*. Family Process, 38, 287-292.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2002). *A two-factor model for predicting when a couple will divorce: Exploratory analyses using 14-year longitudinal data*. Family Process, 41 (1), 83-96.
- Hamidi, A. (2009). *The effectiveness of Eric Berne's training in Transactional Analysis on increasing of marital adjustment*. Master s thesis, Islamic Azad University of Roudehen. (In persion)
- Karimi, P., Karami, J., & Dehghan, F. (2014). *The relationship of attachment styles and conflicts solving styles with marital burnout in married staff*. Journal of female and society 5(4), 53-69. (In persion)
- Khamse, A. (2009). *New strategies in couple therapy*. Tehran, Arjmand press. (In persion)
- khodabakhshi, K, A., et al (2014). *A holistic approach to psychological sexual. problems in women with diabetic husbands*. iran J Reprod Med.12(3), 175° 182. (In persion)
- Kianfard, M., et al (2014). *Prediction of positive and negative affect from sexual satisfaction and couple burnout factors in the staff*. J. Life Sci. Biomed. 4(6), 536-540. (In persion)
- Lerner, Harriet. (1986). *"The Dance of Anger"*, Perennial Library, NY.
- Lingern, H. G. (2003). *Marital burnout*. <http://utahmarriage.Org>
- Markman,H., Stanly, S., & Bloomberg, s. l. (1994). *Fighting for your marriage : Positive steps for preventing divorce and preserving a lasting love*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Naderi, F., & Azadmanesh, P. (2012). *The comparison of marital burnout, family function and intimacy in woman and man staff*. Journal social psychology (new findings in psychology), 7(22). (In persion)
- Naderi, F., Eftekhar, Z., & amolazadeh, s. (2010). *Relationship of personality features and intimacy communications with marital burnout in spouse of addict's men*. Journal social psychology (new findings in psychology), 61- 78. (In persion)
- Naeem, S. (2008). *Marital Burnout relationship, intimate relationship with spouse and marital conflicts with violence against women in the city of Ilam*. Master's Thesis, Islamic Azad University of Ahvaz. (In persion)
- Navidi, f. (2005). *The investigation and comparison of relation of marital burnout with factors of organizational situation in educational staff and hospital nurses of Tehran*. master s thesis, Shahid Beheshti University. (In persion)
- Oladi, Z. (2011). *The effectiveness of group therapy based on reality therapy in reducing of burnout and increasing of marital satisfaction in married women*. Master's Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. (In persion)
- Pines, A. M. (1996). *What do we do, that fantasy love do not lead to Burnout*. Translated by Shadab, F. (2002). Tehran, Quds Press.
- Pines, A. M. (1996). *Couple Burnout*. Translated by Gohari Rad, H. & Afshar, K. (2005), published by Radmehr.
- Pines, A. M. (2002). *Teacher burnout : a psychodynamic existential perspective* . Teacher and theaching: Theory and practice; 8:121-140.
- Pines, A. M., Neal, B., Hammer, L. B., & Icekson, T.(2011). *Job burnout and couple burnout in dual-earner couple in the sandwiched generation*. Journal of Social Psychology Quarterly , 74,361_386.

- Rasouli, M. (2001). *The relationship between communication patterns of couples and communication patterns of their parents in students of Tehran University*. master s thesis, University of Teacher Education. (In persion)
- Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E., & Hattoe, J. A. (2004) . *The relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction*. Journal of Counseling & Development, 82(1) 58-68.
- Saati, S. (2001). *Investigation of relationship between marital satisfaction and Pursuing and Distancing*. master s thesis, Islamic Azad University of Roudehen. (In persion)
- Sanaei, B. (2000). *Scales of family and marriage measures*: Publishing in besat Institute. (In persion)
- Schrodt, P., Witt, P. L., & Shimkowski, J. R. (2014). *A Meta-Analytical Review of the Demand/Withdraw Pattern of Interaction and its Associations with Individual, Relational, and Communicative Outcomes*. Communication Monographs. Volume 81, Issue 1, 28-58.
- Sharifi, M, Karsvly, S, & Bshlydh, K. (2011). *Attribution retraining effectiveness in reducing fatigue and the likelihood of divorce and marital couples divorce*. Journal of counseling and family therapy, 1(2), 212-225. (In persion)

